

زمینه‌ها و گونه‌های ناسیونالیسم قومی در ایران: مطالعه موردی مناطق کردنشین

امید قادرزاده*

عباس شفیعی نیا**

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۶

چکیده

پژوهش موجود با لحاظ نمودن قدمت سیاسی شدن نشانگرهای فرهنگی و هویتی در مناطق کردنشین و تبلور آن به مطالبات قومی با درون‌مایه ملی‌گرایانه، به بررسی گونه‌ها و زمینه‌های تکوین ناسیونالیسم قومی در مناطق کردنشین می‌پردازد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از بررسی دیدگاه‌ها و مرور منابع تجربی چارچوب مفهومی تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی مطرح شده است. تحقیق به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه و در مورد ۱۶۰۳ نفر نمونه از کردهای ساکن در استان‌های کردنشین (کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، و ایلام) صورت گرفته است. نتایج توصیفی نشان از وجود ناسیونالیسم قومی در

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان و پژوهشگر پاره‌وقت پژوهشکده کردستان‌شناسی. (نویسنده مسئول)

o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

saeedmail@gmail.com

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.

گونه‌های خودمختار و تجزیه‌طلب در استان‌های گُردنشین دارد. به لحاظ جغرافیایی، بالاترین و پایین‌ترین میزان ناسیونالیسم قومی به ترتیب مربوط به استان آذربایجان غربی و ایلام بوده است. بر مبنای نتایج تبیینی، متغیرهای میزان ارتباطات درون قومی فاصله تا مرز، میزان استفاده از رسانه‌ها (داخلی/قومی)، و میزان احساس محرومیت و تبعیض رابطه مثبت و معناداری با ناسیونالیسم قومی در استان کردستان داشته و در مجموع ۵۷ درصد تغییرات گونه‌های ناسیونالیسم قومی را در استان‌های گُردنشین تبیین نموده‌اند. تعدیل نقاط افتراق، تضاد و تعارض در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در مناطق گُردنشین در جهت مدیریت مسالمت‌آمیز منازعات قومی ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: ناسیونالیسم قومی، احساس تبعیض، مناطق گُردنشین.

۱. مقدمه و بیان مسئله

مسئله اصلی پژوهش حاضر، واکاوی زمینه‌ها و گونه‌های ناسیونالیسم قومی در مناطق گُردنشین ایران است. ناسیونالیسم قومی بر هویت خواهی قومی و سیاسی شدن قومیت دلالت دارد و ناظر بر آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی تفاوت قومی و بسیج بر پایه تفاوت دلالت دارد (ایلر^۱، ۱۹۹۹: ۸-۹).

برخلاف تلقی رویکردهای جامعه‌شناختی که هویت و علائق قومی و نژادی را نوعی واپس‌گرایی تلقی نمودند که با فراگیر شدن امواج مدرنیته و همچنین در برابر ایدئولوژی‌های مسلط رنگ می‌بازند، بحران‌های قومی و فرهنگی اواخر سده بیستم، اعتبار نظری این رویکردها را با چالش جدی مواجه نمود (انتصار، ۱۹۹۲: ۱-۴؛ اسپوهن^۲، ۲۰۰۳: ۲۶۵؛ فنتون^۳، ۲۰۰۴: ۱۸۰-۱۸۶). تجربه فروپاشی شوروی و یوگسلاوی نشان داد که هویت خواهی قومی نه تنها از بین نرفته است بلکه به یکی از مسائل مهم

1. Eller
2. Spohen
3. Fenton

جهانی تبدیل شده و نه تنها خاورمیانه بلکه سرتاسر دنیا از کانادا تا فرانسه و اسپانیا، آمریکای لاتین و کشورهای مختلف آسیایی را در بر گرفته است. ناسیونالیسم به احتمال زیاد در آینده‌ای نه چندان دور برای مقاومت در برابر همگن‌سازی مصنوعی دولت‌ها، مستمسک قرار خواهد گرفت (گیبرنا، ۱۳۷۸: ۲۴۲).

با وجود آن که نمی‌توان تعریف مشخص و مورد وفاقی برای ناسیونالیسم قومی در نظر داشت، اما به صورت کلی می‌توان آن را جنبشی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهت تقویت وحدت ملی یک ملت و صیانت از آن در مقابل غیریت‌های ملت مزبور عنوان ساخت. جنبش‌های قومی یا ملی و کاربرد سیاسی آن محصول دوران مدرن است. جریان‌های قومی که پدیده‌ای بسیار قدیمی است و قوم که با خصوصیات فرهنگی از قوم دیگر جدا می‌شود مسئله‌ای تاریخی است. فقط ادعای سیاسی قومی برای به دست گرفتن قدرت مسئله‌ای جدید است. ظهور ناسیونالیسم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی همزاد است با تأسیس موج اول دولت‌های ملی در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم، اما در نظر گرفتن آن به عنوان امری به لحاظ فکری مسئله برانگیز، مربوط به دهه‌های ۳۰-۱۹۲۰ است (اوزکریمی، ۱۳۸۳: ۱۱).

مسئله دولت - ملت در ایران پدیده‌ای است که از اوان مشروطیت در سطح تثوریک و با آغاز حکومت پهلوی همچون یک پروژه سیاسی در فضای سیاسی کشور ایران سر برآورده است (بشیریه، ۱۳۸۳، آشوری، ۱۳۸۴، جلائی پور، ۱۳۸۴، ولی، ۱۳۸۳).

پس از شکل‌گیری دولت ملی و مدرن، تمرکزگرایی در برخی از مناطق از جمله در کردستان به عنوان سیاست دولت حاکم گردید. سیاست تمرکز در واقع به معنای اتخاذ سیاست نابرابری و سیاستی تبعیض‌آمیز نیز هست. احمد اشرف فعال شدن شکاف قومی در مناطق کردنشین ایران را از پیامدهای استقرار همین وضع تازه یعنی استقرار دولت ملی در ایران می‌داند که عملکرد آن در ارتباط با قوام گرفتن هویت ملی ایرانی،

بی‌تأثیر در فعال شدن شکاف قومی در دوره پهلوی و دوره جمهوری اسلامی نبوده است (کاتم، ۱۳۸۳).

با آمدن دولت مدرن، ارتش منظم به وجود آمد، سیستم بوروکراتیک راه‌اندازی شد، دولت خود قوم‌گرا بود و شروع به انکار هویت قومی نمود. درحالی‌که مثلاً در ایالت اردلان در زمان قاجار قدرت در دست والیان بود و زبان رسمی فارسی بود زبان کردی هم آزاد بود و شعر به زبان کردی و مخصوصاً لهجه اورامی بسیار سروده می‌شد، اما با آمدن دولت رضاشاه اولاً قدرت والیان برچیده شد و زبان کردی قدغن شد (محمد زاده، ۱۳۸۰). با تشکیل دولت مدرن و کاهش قدرت ایلات جنبش‌های متعددی از جمله قیام ملاخلیل، قیام جعفرخان، محمدخان دزلی، سیمکو و جمهوری کردستان روی داد. اولین جنبش توسط سمیتقو (۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴) در منطقه ارومیه برپا شد. این جنبش منطقه کوچکی از مناطق گردنشین را در برمی‌گرفت و بافت جنبش بیشتر عشیره‌ای بود. پس از جنگ دوم جهانی، جمهوری کردستان در مهاباد شکل گرفت که بنیادی شهری و روستایی داشت و بدنه اصلی آن را اقشار متوسط شهری تشکیل می‌دادند. شروع این نهضت را باید از زمان تشکیل گروهی از آموزگاران، کارمندان جوان و دیگر افراد طبقه متوسط شهری بدانیم که در سال ۱۳۲۳ ایجاد شد که جمعیت احیا گرد نامیده می‌شد (فریش، ۱۳۸۳: ۴۴۷). تشکیل جمهوری خودمختار کردستان در مهاباد (۱۳۲۴) رخدادی مهم در تاریخ ناسیونالیسم قومی گرد به شمار می‌آید. اگرچه جمهوری خودمختار کردستان خیلی زود سقوط کرد و حکومت مرکزی بار دیگر کنترل کردستان را به‌طور کامل در اختیار گرفت، اما پس از سقوط جمهوری کردستان، روشنفکران و فعالان سیاسی گرد به تبلیغ ایدئولوژی ناسیونالیسم قومی در کردستان ادامه دادند به‌گونه‌ای که گفتمان ناسیونالیسم کردی توانست در لایه‌های زیرین جامعه به حیات خود ادامه دهد.

ادامه حیات گفتمان ناسیونالیسم کردی پس از سقوط جمهوری خودمختار کردستان، هم‌زمان بود با دوره تثبیت قدرت محمدرضاشاه پهلوی، در این دوره نیز

گفتمان مسلط ناسیونالیسم ایرانی در مرکز ناسیونالیسم اقتدارگرای دوران رضاشاه بود. در اواخر دوره حکومت محمدرضا شاه در کردستان گفتمان‌های دیگری سر برآوردند که با وجود تأکید بر حقوق فرهنگی و سیاسی مردم کرد و تأکید بر رفع تبعیض‌های قومیتی در ایران، به مسائلی همچون تضاد طبقاتی و تبعیض‌های مذهبی نیز توجه نشان دادند. این گفتمان‌ها با وجود اختلاف‌های اساسی در زمینه بنیادهای فکری-عقیدتی، حداقل در یک مورد مشخص (وجه ناسیونالیستی) با یکدیگر توافق داشتند و آن خودمختاری کردستان به‌عنوان راهکار رفع تبعیض قومی بود (احمدی، ۱۳۷۸، انتصار، ۱۹۹۲، جلابی‌پور، ۱۳۸۵).

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، احزاب سیاسی و جریان‌هایی که در دوران پهلوی به‌صورت مخفیانه فعالیت می‌کردند، توانستند از فضای باز سیاسی برآمده از وضعیت انقلابی بهره بگیرند و فعالیت‌های خود را این بار به‌صورت علنی پیگیری نمایند و در مدت‌زمان کوتاهی تبدیل به جریان‌های اجتماعی تأثیرگذار در عرصه سیاسی کردستان شوند. با استقرار جمهوری اسلامی آموزه‌های مبتنی بر فقه شیعی به یکی از بنیادهای نظام سیاسی جدید در ایران تبدیل شد. مسئله شیعه و سنی که برای چندین دهه به حاشیه‌های سیاست در ایران رانده شده بود، بار دیگر به‌عنوان یک مسئله سیاسی و فرهنگی و هویتی مطرح شد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۸). بنابراین، مطالبات اقوام در ایران و مخصوصاً در کردستان که توسط احزاب و جریان‌های سیاسی نمایندگی می‌شد، نه تنها برآورده نشد بلکه مسئله مذهب نیز به آن اضافه شد. در کردستان که قریب به نیمی از جمعیتش را اهل تسنن تشکیل می‌دهند و با توجه به این که عمده فعالیت‌های جریان‌های سیاسی کرد در مناطق سنی نشین انجام می‌گرفت این مسئله اهمیتی بخصوص پیدا کرد (محمدزاده، ۱۳۹۰).

اگرچه جمهوری اسلامی در بیشتر مناطق توانسته بود به میزان قابل توجهی مسئله مربوط به اقوام را به حاشیه براند اما در کردستان موفق به حل یا رفع این مسئله نشده بود. در واقع حاکمیت، با وجود برخورداری از قدرت اجتماعی در بیشتر مناطق ایران از

این قدرت در کردستان محروم بود، زیرا در شهرهای کردنشین با جنبشی مردمی-کردی روبرو بود. از جمله نمودهای بارز این جنبش در اوایل انقلاب برپایی تجمعات و راهپیمایی در حمایت از احزاب کرد، تشکیل انجمن‌های مختلف صنفی، به دست گرفتن اداره امور شهرهای کردستان توسط احزاب و نهایتاً جنگ چریکی با ارتش و سپاه در بیشتر سال‌های دهه شصت بود. اگرچه نمونه‌های یاد شده در ارتباط با جنبش کردی تنها مربوط به دهه اول انقلاب می‌باشد و پس از آن دولت جمهوری اسلامی توانست کنترل کامل مناطق کردنشین را در اختیار بگیرد و از بروز این جنبش جلوگیری کند اما ناسیونالیسم قومی در کردستان همچنان یکی از نیروهای تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و سیاست در این جامعه به شمار می‌آید. بر اساس موارد یاد شده، این سؤال مطرح می‌شود که در شرایط کنونی وضعیت ناسیونالیسم قومی در مناطق کردنشین ایران چگونه است؟ و در آخر، عوامل اثرگذار بر تغییرات ناسیونالیسم قومی در میان کردهای ایران کدامند؟

۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با ناسیونالیسم قومی و قومیت‌گرایی در میان کردها، پژوهش‌های عدیده‌ای در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. مروری بر تحقیقات موجود نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها ناسیونالیسم قومی به‌طور عام مورد مطالعه قرار گرفته است و همه ابعاد و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار نگرفته است. ضمن آن‌که رویکرد غالب در این مطالعات، تاریخی و اسنادی بوده و سهم مطالعات تجربی در گستره مناطق کردنشین و با لحاظ نمودن نگاهی همه‌جانبه اندک است. در ادامه به بخشی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

احمدی در کتاب «قومیت و قوم‌گرایی در ایران»، نشان داده است که تفاوت‌های زبانی و مذهبی تا اواسط قرن بیستم، عامل سیاسی مرکزگیزی گروه‌های زبانی و مذهبی عمده ایران، یعنی کردها، آذری‌ها و بلوچ‌ها و... نبوده است و تجربه ایران، مؤید

دیدگاه «نوگرایی» در خصوص فعال شدن شکاف قومی بوده است (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۸۵-۱۸۲).

جلایی‌پور در کتاب «کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی»، با اتخاذ رویکرد ترکیبی (تلفیقی از مطالعه اسنادی، مصاحبه و تجربه زیسته محقق)، بحران و درگیری در کردستان را در ارتباط با عواملی چون همبستگی کردی، احزاب سیاسی کردستان، موقعیت برون‌مرزی (اقوام در حاشیه کشور قرار دارند)، جغرافیایی سیاسی سیاست ویژه امنیتی تحلیل نموده است. بر مبنای نتایج این مطالعه، گردها در بُعد سیاسی در پی تعیین حق سرنوشت (خودمختاری) و در بُعد فرهنگی در پی رسمیت بخشیدن به زبان، خط، لباس و آداب و رسوم خود هستند (جلایی‌پور، ۱۳۷۲: ۲۰).

مقصودی (۱۳۸۰) در کتاب «تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها»، با اتخاذ روش تاریخی^۵ تطبیقی، سیاسی شدن هویت قومی را با عدم استقرار نظام شهروندی و جامعه مدنی، ساخت نظام بین‌الملل، تضعیف الگوی دولت-ملت، موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی در ارتباط می‌داند. در این میان، ساخت نابرابر اجتماعی و محرومیت نسبی در تداوم ستیزه‌های قومی مؤثر بوده است.

صالحی امیری در کتاب «مدیریت منازعات قومی در ایران» نشان داده است که سیاست قومی در ایران معاصر و الگوهای مدیریتی مبتنی بر آن هیچ‌گاه با اقتضائات محیطی، اجتماعی و تنوع فرهنگی و قومی موجود در ایران سازگار نبوده است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۴۲۸).

پژوهش پیمایشی قادرزاده (۱۳۸۴) با عنوان «هویت جمعی غالب گردها در کشورهای ایران و عراق» مؤید مشابهت در سطوح هویتی و سلسله‌مراتب ترجیحات هویتی کردهای ایران و عراق است. بر مبنای پژوهش پیمایشی محمدزاده (۱۳۹۰) با عنوان «عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان گردهای ایران»، نوع قالب قوم‌گرایی در مناطق کردنشین قوم‌گرایی سیاسی است. نتایج این تحقیق نشان‌گر رابطه معنادار نوع

زمینه‌ها و گونه‌های ناسیونالیسم قومی ایران ... ۴۳

گویش‌های زبان کردی، نوع مذهب، استفاده از رسانه قومی و احساس تبعیض با انواع قوم‌گرایی است.

گار و اسکاریت^۱ (۱۹۸۹) در پژوهشی با عنوان «اقلیت‌های در معرض خطر: پیمایشی جهانی»، کردهای عراق و ترکیه را جز گروه‌های در معرض خطر طبقه‌بندی نموده‌اند که در سال‌های اخیر مطالبات و ادعاهای سیاسی بیشتری را از خود بروز داده‌اند. از نظر گار و اسکاریت، هم‌جواری جغرافیایی کردها پتانسیل بروز منازعات قومی را افزایش می‌دهد؛ چنین مسئله‌ای به بین‌المللی شدن منازعه و مداخله نیروهای خارجی در قالب حمایت از اقلیت در معرض خطر امکان بیشتری می‌دهد (۱۹۸۹: ۳۷۵-۴۰۵).

ولی^۲ (۱۹۹۸)، در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که ناسیونالیسم کرد همچون هویت کرد، ناسیونالیسمی تکه‌تکه است. این ناسیونالیسم، ناشی از وضعیت کردستان و تقسیم آن در بین چهار کشور منطقه است که هرکدام از جانب حکومت‌های با ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی متفاوت اداره می‌شوند و مانع از وحدت سیاسی و فرهنگی کردها شده است. کشورهای یاد شده همگی هویت ملی کردها را انکار و خواسته‌های سیاسی و فرهنگی کردها را با خشونت پاسخ داده‌اند.

دیوید رومانو^۳ (۲۰۰۶) نیز در بخشی از کتاب خود به مساله بسیج در قوم‌گرایی کرد و ساخت فرصت سیاسی در ایران پرداخته و قوم‌گرایی کردهای ایران را وابسته به ساخت فرصت سیاسی دانسته و عنصر مذهبی را مانعی جدی برای بسیج قومی کردهای شیعه‌مذهب تلقی نموده است.

۳. مبانی نظری و مفهومی پژوهش

رویکرد نظری پژوهش حاضر معطوف به سیاسی شدن هویت خواهی قومی است. این رویکرد، ناظر بر عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوران مدرن است و آن را

-
1. Gurr and Scarritt
 2. Vali
 3. Romano

رویکرد نوگرایان می‌نامند، چراکه ناسیونالیسم قومی در این رویکرد، پدیده‌ای مربوط به دوران مدرن قلمداد می‌شود. در این پارادایم رویکردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی وجود دارد که به اختصار برخی از نظریات مطرح در این پارادایم مورد بحث قرار می‌گیرد.

نظریه‌های سیاسی در مسائل قومی به نقش عنصر قدرت و بی‌قدرتی در تبیین این پدیده می‌پردازند. در این دسته از تئوری‌ها به عواملی نظیر جغرافیای سیاسی، ایدئولوژی، و دولت در قوم‌گرایی و بسیج قومی پرداخته شده است. در دیدگاه پارکین ساختار کلی نابرابری در جامعه از مبارزه کلی و همیشگی بر سر قدرت سرچشمه می‌گیرد. پارکین با طرح ایده قدرت با انسداد اجتماعی به فرایندهای مختلفی اشاره دارد که برخی گروه‌بندی‌های اجتماعی، دیگران را از دستیابی به منابع و فرصت‌ها محروم می‌سازند. از نقطه نظر او قدرت واقعاً «صفت ذاتی» هرگونه انسداد اجتماعی است و بر میزان دستیابی فرد به منابع و فرصت‌ها دلالت می‌کند (گرب، ۱۳۷۳: ۱۹۵). پارکین دو شکل اساسی را برای انسداد اجتماعی فرض می‌کند: تحریم^۱، ابراز اولیه‌ای است که با آن جناح مسلط افراد زیر سلطه را از قدرت محروم می‌سازد و غضب^۲، ابزاری کلیدی است که افراد زیر سلطه از طریق آن می‌خواهند قسمتی از قدرت از دست‌رفته را باز پس گیرند. از این دو شکل انسداد، تحریم در جوامع جدید مؤثرتر است، زیرا که به وسیله قواعد قانونی به وجود آمده و ضمانت اجرای رسمی آن نظام قضایی دولت است و در صورت لزوم از عوامل سرکوب هم کمک گرفته می‌شود. با این وجود پارکین تأکید می‌کند که فرایندهای انسداد عواملی اند که در ورای تمام ساختارهای نابرابری وجود دارند، ساختارهایی که علاوه بر روابط طبقاتی، استثمارهای قومی و دینی را نیز شامل می‌شوند. از نظر فرانک پارکین بدیع‌ترین جنبه بحث‌های اخیر در زمینه نابرابری اجتماعی، متمرکز بر علاقه و توجه به نقش دولت بوده است. تأکید او بر انسداد

-
1. Exclusion
 2. Usurpation

تحریمی که به وسیله بازوهای سرکوبگر و قانونی دولت صورت می‌گیرد، نشان می‌دهد که دولت در نظام‌های نابرابری جوامع جدید، نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کند (گرب، ۱۹۸: ۱۳۷۳). در این نظریه، قدرت متغیر مستقل مؤثر بر ناسیونالیسم است. در حالتی که در یک جامعه فرصت دسترسی به منابع قدرت برای قومیتی دچار انسداد و تنگنا شده باشد این قومیت ممکن است در عکس‌العمل به این وضعیت سراغ ناسیونالیسم برود.

گلنزر و موینها از صاحب‌نظران رهیافت اقتصادی معتقدند که گروه‌های قومی به میزان بی‌سابقه‌ای به‌عنوان وسایل تجلی و پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی ظهور می‌کنند. آن‌ها معتقدند که با ظهور دولت رفاهی و گرایش کلی دستگاه دولتی به ایفاء نقش داور در رقابت‌های اقتصادی و سیاسی، قومیت به‌عنوان عامل تأمین و گسترش منافع مادی کاربرد گسترده راهبردی پیدا کرد (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). آنان معتقدند سیاسی شدن قومیت تنها زمانی ممکن خواهد بود که تقسیم‌کار فرهنگی وجود نداشته باشد و نابرابری‌های گروهی اراده شده از بین بروند.

بعضی از محققان ارتباطات را عاملی برای همگرایی ملی و بعضی دیگر آن را در راستای واگرایی ارزیابی می‌کنند. یکی از نظریه‌هایی که نقش ارتباطات را با ناسیونالیسم مؤثر می‌داند از آن کارل دویچ است. او ملت را به‌عنوان جامعه‌ای به‌هم‌پیوسته که دارای ارتباطات اجتماعی است تعریف می‌کند و معتقد است، همان‌گونه که ارتباطات از طرق مختلف نظیر آگاهی دادن، نفوذ در دیدگاه‌ها و تغییر ایستارها و طرز تلقی‌ها، موجب بروز ملی‌گرایی و کاهش مناقشات قومی و نژادی و فرهنگی شد، ادامه این روند موجب همبستگی و پیوند نزدیک‌تر در سطح جهان خواهد شد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۸۲). واکرکانر نیز اعتقاد دارد که ارتباطات نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا می‌کند. این امر زمانی مهم‌تر خواهد بود که دولت مرکزی در صدد بسط نفوذ فرهنگی خویش در مناطق قومی برآید (سید امامی، ۱۳۷۶: ۲۵۴-۲۵۳). مقصودی در تحقیق تجربی خود نظر حمید مولانا و الیزابت روبینسون را در مورد نقش رسانه در قوم‌گرایی یادآور می‌شود. پیشرفت در ابزارهای ارتباطی و حمل‌ونقل، انزوای فرهنگی را کاهش

می‌دهد. پیشرفت تکنولوژی با افزایش آگاهی اقلیت‌ها در قبال تمایزات خود با سایر گروه‌ها، آگاهی فرهنگی آنان را افزایش داده است. فرد نسبت به گروه‌های قومی وابسته به خود و همچنین نسبت به کسانی که با او هویت مشترکی دارند، آگاهی بیشتری می‌یابد. مقصودی از زبان مک‌کورمک نقل قول می‌کند که رسانه‌های همگانی این احساس را در افراد به وجود می‌آورند که عضوی از جامعه کل و پدیده بزرگ‌تری هستند و بدین گونه به افراد هویت می‌بخشند و در آن‌ها احساسی از یگانگی به وجود می‌آورند (همان، ۱۸۴).

کاستلز، ضمن دسته‌بندی هویت خواهی قومی در ذیل هویت مقاومت، معتقد است فرایند جهانی‌شدن و به تبع آن جامعه شبکه‌ای از دو جهت منجر به تضعیف دولت ملی و هویت ملی مرتبط با آن می‌شود. هرچند که در این فرایند، دولت ملی سلطه انحصاری خود بر ابزارهای اجبار و تا حدودی نفوذ خود را حفظ خواهد نمود. از یک طرف، با جهانی‌شدن اقتصاد و سرمایه، دولت کنترل خود را بر اقتصاد ملی تا حد زیادی از دست می‌دهد، با گسترش و پیشرفت رسانه‌های جمعی و ارتباطی، فرهنگ از حیطه دست‌کاری و نفوذ دولت خارج می‌شود و با شکل‌گیری اجتناب‌ناپذیر شبکه‌ها و سازمان‌های جهانی و اتحادیه‌های منطقه‌ای، بسیاری از حیطه‌های استقلال دولت در زمینه سیاست‌گذاری داخلی و خارجی از میان می‌رود؛ و از طرف دیگر با برجسته شدن بسیاری از هویت‌های خاص گرایانه در داخل کشور، همانند هویت‌های قومی و مذهبی، سلطه دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی به چالش کشیده می‌شود. جریان‌های جهانی سرمایه، کالا، خدمات، تکنولوژی، ارتباطات و اطلاعات به‌طور فزاینده‌ای کنترل دولت بر زمان و مکان را تضعیف کرده‌اند.

از نظر گلنر، ناسیونالیسم و قوم‌گرایی محصول دوران مدرن است. در نگاه گلنر، این ناسیونالیسم است که ملت‌ها را پدید می‌آورد و نه برعکس. گلنر بر این باور است که ناسیونالیسم از میراث فرهنگی، تاریخی و غیره، دنیای پیشاملی‌گرایی استفاده می‌کند (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۱۷). از نظر گلنر، ناسیونالیسم مکانیسم سازگاری جامعه سنتی با

دوران مدرن است که این کار را از طریق تشویق فردگرایی، نقش اکتسابی و نشریات آزاد انجام می‌دهد. نظام آموزشی، زبان و فرهنگی واحد و یکرشته شایستگی لازم برای سازمان اجتماعی بوروکراتیک و فنی را فراهم می‌آورد؛ بنابراین با ادغام گروه‌های مختلف و متمایز در درون ساختار سیاسی کشور، انواع ایدئولوژی نیز جانشین سنت‌های محلی گوناگون شده و عاملی مؤثر برای یکپارچگی، مشروعیت و تحولات فرهنگی بود (اسمیت و وست، ۱۳۸۳: ۶۹۱). کاربرد نظریه گلنر از این نظر مهم است که قابل اجرا در کشورهای چند قومی است، در کشوری مثل ایران که دولت شبه مدرن به یک فرهنگ و زبان واحد احتیاج داشته است. از آنجا که اقوام حاشیه‌ای نخواستند به صورت اجباری وارد این فرایند جذب و ادغام شوند به هویت زبانی و دینی خود رجوع کرده و آن را مبنایی برای هویت خود کرده‌اند. نکته مهم دیگر قابل مذاقته و بررسی، این نظر گلنر است که رابطه‌ای میان بافت اجتماعی (شهر- روستا) و یا فرهنگ کشاورزی- با شهری با قوم‌گرایی وجود دارد (محمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

آنتونی اسمیت^۱ بر این باور است که قومیت از راه سیاسی کردن گروه‌های قومی به رقابت منجر می‌شود. از نظر ایشان ناسیونالیسم قومی یک خصلت مهم ذهنی دارد. این ذهنیت فاکتورهای قومی را که مناسب سیاسی کردن است برمی‌گزیند. این پارادایم بر عناصر ذهنی تأکید می‌کند. این بدان معنا نیست که وجود عوامل عینی را بی‌اهمیت می‌داند یا آن‌ها را از قلمروی تحلیل خود کنار می‌گذارد، بلکه در این پارادایم اهمیت بیشتری به عناصر ذهنی خاطره و ارزش‌ها و احساسات و اسطوره و نماد داده می‌شود و از این طریق تلاش می‌کند وارد دنیاهای درونی قومیت شود و آن‌ها را بفهمد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۴). سمبل‌ها نشانه‌های مختلفی از قبیل پرچم، توتم، سکه، آداب و رسوم، نام‌ها، اشعار، موسیقی، رنگ‌ها، بناها و یادمان‌های خاص، استفاده از پوشش خاص که معرف قوم معین است، تکلم به گویش و زبان محلی نشانه بقا و استمرار قوم و رمز بالندگی و همبستگی است. این عوامل خصلتی نمادین دارند. بر مبنای نظریه محرومیت نسبی

رانسیمان، منشاء تضاد قومی ناشی از مقایسه وضعیت قوم خود با دیگران است. اگر بین افراد و گروه‌های اجتماعی قومی که دچار کمیابی و محدودیت منابع هستند، رقابت برای دستیابی وجود داشته باشد و چنانچه فرد یا گروه به یک وسیله احساس نیاز و یا احتیاج پیدا کند و ادراک کند و یا ببیند که دیگران (افراد یا گروه‌های دیگر) بدان دست یافته‌اند و او با وجودی که به آن میل دارد، اما امکان به دست آوردن آن را نداشته باشد، احساس بی‌عدالتی و یا محرومیت نسبی خواهد کرد (رفیع پور، ۱۳۶۴: ۲۰). چنین احساس عقب‌ماندگی از دیگران که از مقایسه با دیگران به وجود می‌آید، در سطح فردی موجب پیدایش بغض، حسادت و دیگر واکنش‌های عاطفی علیه فرد یا گروه رقیب شده و در سطح اجتماعی سبب تشدید تضادهای بین گروهی می‌شود (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: ۸۸). در نظریه‌های چندعاملی بر مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار در به وجود آمدن قومیت تأکید دارند. اسملسر^۱ قوم‌گرایی را نوعی رفتار جمعی می‌پندارد که ناشی از مجموعه عواملی چون شرایط ساختی، محرومیت عینی اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی ناشی از شرایط ساختی و آگاهی از احساس محرومیت می‌باشد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۸۶).

۴. چارچوب نظری

به عقیده مالشوویچ، هیچ‌شاه کلیدی برای گشودن تمام رازهای نهفته در ناسیونالیسم قومی وجود ندارد و هیچ نظریه‌ای به صورت جداگانه قادر به تبیین پیچیدگی‌های این مفهوم نیست (مالشوویچ^۲، ۱۳۹۰). از آنجاکه هیچ‌کدام از تئوری‌ها به تنهایی قادر به تبیین متغیر وابسته (ناسیونالیسم قومی) نیستند پس ضمن مراجعه و مرور به دیدگاه‌های موجود در این زمینه که در بالا بدان اشاره رفت تلاش خواهیم کرد که مهم‌ترین متغیرهای نظریات را در یک چارچوب مفهومی تعریف کنیم، به‌نوعی که از یک‌سو

1. Smelser
2. Malshovich

بتوان فرضیه‌های پژوهش را از دل آن بیرون کشید و از سویی دیگر رابطه این متغیرها را نوعی تنظیم نمود که با مورد مطالعه همسو بوده و تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته را مشخص نماید. مهم‌ترین مفروضه پژوهش حاضر این است که ناسیونالیسم قومی پدیده مدرنی است هرچند شناسه‌ها و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده اجتماع و گروه قومی ماهیت ازلی‌گرایانه‌ای دارد. با این وصف، سیاسی شدن قومیت یک پدیده سیاسی مدرن است. یکی از عواملی که بر تکوین ناسیونالیسم قومی اثرگذار است، تبعیض و نابرابری اجتماعی است. این عامل، به تفاوت‌های میان افراد که به صورت اجتماعی تعریف شده است، اشاره می‌کند. این نابرابری‌ها بر نحوه زندگی افراد و گروه‌های مختلف، فرصت‌ها و پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر متفاوت دارد. نابرابری‌های مداوم اجتماعی بر ماهیت ساختاری تنش‌های اجتماعی و پتانسیل نارضایتی اجتماعی در میان اعضای یک گروه قومی دلالت دارند که موجب به فعلیت درآوردن تمایزات و شکاف‌های اجتماعی می‌شوند. در این رابطه رویکرد وبری از نابرابری اجتماعی در مورد ناسیونالیسم قومی بیشتر کمک‌کننده است، چراکه وبر در تحلیل خود، علاوه بر نابرابری اقتصادی، به نابرابری فرهنگی و سیاسی هم اشاره می‌کند. فرانک پارکین در تلاش برای تبیین میزان تأثیرگذاری قومیت بر لایه‌بندی‌های اجتماعی از مفهوم حصر و انسداد اجتماعی و بر بهره می‌گیرد. انسداد اجتماعی به معنای بیشینه‌سازی منافع اعضای درون گروه بر اساس منع دسترسی افراد بیرون گروه است. طرد که شکل اصلی انسداد اجتماعی در جوامع لایه‌بندی شده است، به معنی اعمال قدرت و کنترل از بالا به پایین و منع ورود یا دسترسی گروه‌های نابرخوردار، به منابع است.

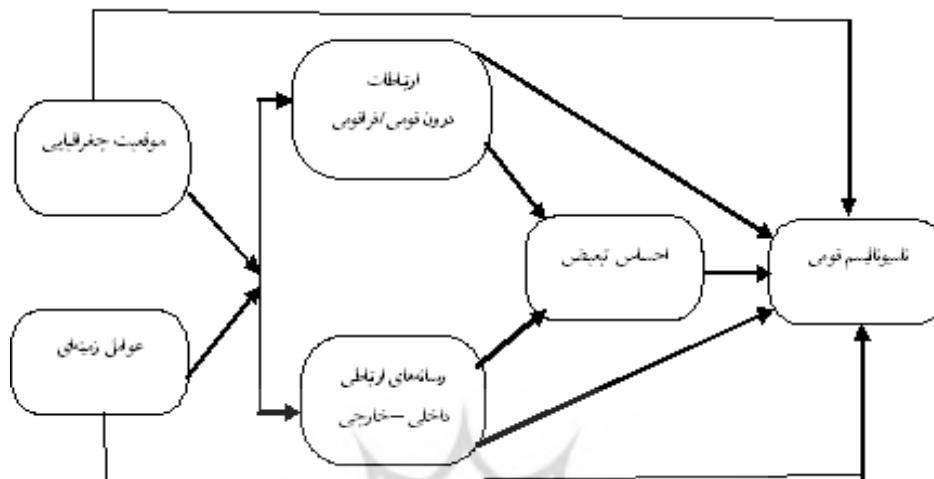
هنگامی که طرد بر اساس خصوصیات قومی به اجرا گذاشته شود آنگاه شکاف‌های عمیق اجتماعی قومی شکل می‌گیرد. بر این اساس، غصب، به‌عنوان استراتژی گروه‌های نابرخوردار قومی در جهت تغییر موقعیت فروتری و اخذ منابع افزون‌تر گروه غالب شکل می‌گیرد. بسیج قومی و ناسیونالیسم قومی ابعادی از استراتژی غصب محسوب

می‌شوند (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۲۰۵). ناگفته پیداست برای تکوین و تداوم ناسیونالیسم قومی، عامل نابرابری‌های اجتماعی لازم است ولی کافی نیست. تنها در سایه آگاهی بخشی است که عامل تبعیض معطوف به شناسه‌های قومی می‌شود و آگاهی از متفاوت بودن خود به سوی ناسیونالیسم قومی سیر پیدا می‌کند. در زیرمجموعه این رهیافت می‌توان به عوامل روانی مثل احساس تبعیض و محرومیت نسبی، نقش ارتباطات اشاره کرد.

یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای اثرگذار در تکوین و شدت یابی ناسیونالیسم قومی، موقعیت جغرافیایی است. این مساله در قالب هم‌جواری جغرافیایی با مناطق برخوردار از قومیت مشابه و در سطح دیگر قرار گرفتن در جایگاه پیرامونی و دوری از مرکز است که پتانسیل مطالبات قومی را تقویت می‌کند. از نظر گر و اسکاریت، هم‌جواری جغرافیایی کردها پتانسیل بروز منازعات قومی را افزایش می‌دهد، چنین مسئله‌ای به بین‌المللی شدن منازعه و مداخله نیروهای خارجی در قالب حمایت از اقلیت در معرض خطر، امکان بیشتری می‌دهد. از لحاظ تاریخی، مردم سرزمین‌های کم وسعت نواحی جنگلی یا کوهستانی یا استان‌های هم‌مرز سایر دولت‌های دارای جمعیت‌های قومی مشابه، بیشتر و مؤثرتر از ساکنان استان‌های نواحی مرکزی و دارای جلگه‌های وسیع و هموار، مبادرت به جنبش‌های گروهی قومی کرده‌اند. علاوه بر این عامل، میزان فاصله جمعیت‌های قومی از حکومت مرکزی، بر نارضایتی و نیروهای گریز از مرکز می‌افزاید (امیراحمدی، ۱۹۸۷).

در این پژوهش، با رجوع به اغلب دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود و بهره‌گیری از نتایج به دست آمده از مرور آن‌ها و با اتکا به مختصات میدان مورد مطالعه، برای تحلیل جامعه‌شناختی ناسیونالیسم قومی در مناطق کردنشین، چارچوب و مدل نظری پژوهش (نمودار ۱) تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی ارائه شده است.

نمودار ۱- مدل نظری تحقیق



۵. فرضیه‌های پژوهش

- بین موقعیت جغرافیایی (فاصله تا مرز) و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سطح تحصیلات و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن افراد و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نوع مذهب و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان ارتباطات درون قومی و ناسیونالیسم قومی رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌های داخلی و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌های قومی و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان احساس تبعیض و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد.

۶. روش‌شناسی تحقیق

۶-۱. تعاریف متغیرها

۶-۱-۱. متغیر وابسته: ناسیونالیسم قومی

با وجود این که نمی‌توان تعریف مشخص و مورد وفاقی برای ناسیونالیسم عنوان کرد، ولی به صورت کلی بر اساس اظهار وینست (۲۰۰۳) در توصیف ناسیونالیسم معتقد است: «گروهی از مردم که معمولاً با عواملی چون: سکونت در سرزمین مشترک، میراث و فرهنگ مشترک، منافع و علایق مشترک در حال حاضر و امیدهای مشترک باهم در آینده و میل مشترک برای زندگی و حفظ دولت با یکدیگر متحد هستند» (وینست ۱۳۷۸: ۳۳۴). ملی‌گرایی نوعی آگاهی جمعی است، یعنی آگاهی به تعلق به ملت که آن‌ها «آگاهی ملی» می‌خوانند. آگاهی ملی، اغلب پدیدآورنده حس وفاداری، شور و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنت‌ها و عادت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و به‌طورکلی فرهنگ) است و گاه موجب بزرگداشت مبالغه‌آمیز از آن‌ها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملت‌ها می‌شود. ناسیونالیسم قومی با مفهوم قومیت‌گرایی قرابت معنایی دارد. قومیت‌گرایی، بر آگاهی از تفاوت، برجستگی ذهنی آن تفاوت و بسیج بر پایه تفاوت دلالت دارد (ایلر^۱، ۱۹۹۹: ۹-۸ به نقل از گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۶۶). با الهام از سنخ‌شناسی هوشنگ امیراحمدی (۱۹۸۷) و مطالعات تجربی موجود (محمدزاده، ۱۳۹۰؛ هیلی، ۲۰۰۱؛ عبداللهی، ۱۳۸۳)، در این تحقیق ناسیونالیسم قومی در ابعاد جدایی‌طلب و خودمختار مفهوم‌سازی و عملیاتی شده است (جدول ۱)

جدول ۱- تعریف عملیاتی، سطح سنجش، نتایج پایایی ناسیونالیسم قومی و ابعاد آن

ضریب آلفای کرونباخ	سطح سنجش	تعریف عملیاتی	ابعاد ناسیونالیسم
۰/۸۱	ترتیبی	داشتن سرزمین مستقلی برای خود، مهیا بودن شرایط تشکیل دولت مستقل کردی، جدا شدن مناطق کردنشین از خاک ایران، حق طبیعی کردها برای داشتن دولت مستقل، "ای رقیب" سرود ملی کردها، داشتن پرچم	جدایی طلب
۰/۸۲۱	ترتیبی	گنجانیدن عناصر فرهنگی و هویتی اقوام در کتاب-های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، واگذاری اختیار امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در مناطق کردنشین به خود کردها، موافقت با واگذاری ساختار سازمانی و اداری به اقوام در قالب مناطق خودمختار، ضرورت ایجاد دولت فدرالی در جامعه چند فرهنگی و قومی ایران	خودمختار

۲-۱-۶. متغیرهای مستقل

احساس تبعیض: منظور این است که اعضاء گروه قومی به شکلی نظام‌مند از برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های سیاسی، در مقایسه با سایر گروه‌های جامعه‌شان، محدود بوده و یا هستند (گر، ۱۳۸۱: ۴۰۶). بر این مبنا افراد قومی بر این باور هستند که آن‌ها از دسترسی به قدرت، کالا و خدمات مطلوب و گردش نخبگان و ... بی‌بهره‌اند. متغیر تبعیض در ابعاد سیاسی فرهنگی، اقتصادی-اجتماعی و با شاخص‌هایی چون تقسیم ناعادلانه پست‌ها در مناطق قومی، محدودیت برای گردش نخبگان قومی، عدم اعتماد یکسان دولت به اقوام، احساس مانع قانونی در قبال خواست‌های قومی، سیستم نایکسان‌گزینش اقوام، احساس میزان بیکاری بیشتر در منطقه و ... در سطح ترتیبی عملیاتی شده است.

رسانه ارتباطی قومی: منظور از رسانه قومی، فرستنده رادیویی یا ماهواره‌ای است که برای اهداف قومی برنامه پخش می‌کند. امروزه رادیو و تلویزیون‌های زیادی به زبان کُردی برنامه پخش می‌کنند که اغلب ماهواره‌ای بوده و از خارج از مرزهای کشور به زبان کُردی برنامه پخش می‌کنند. معرف‌های تجربی این متغیر، شامل مصرف رسانه‌های جمعی فرامرزی (ماهواره‌ها)، استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در استان کردستان، متوسط ساعات استفاده مخاطبان از برنامه‌های شبکه‌های عمومی و کُرد می‌باشد.

روابط درون قومی / فراقومی: روابط درون قومی یا شبکه‌های غیررسمی، بر روابط افراد باهم قومان اطلاق می‌شود که در آن‌ها روابط گرم و عاطفی و تعلقات و وابستگی‌ها بسیار شدید است (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۲۱۸؛ چلبی، ۱۳۸۰: ۹). منظور از روابط درون قومی، رابطه اجتماعی در میان اعضای یک گروه قومی است که در اینجا در دو سطح موردبررسی قرار می‌گیرد، نخست در سطح هم قومان ساکن در ایران و دوم در سطح هم قومان ساکن در کشورهای هم‌جوار در سطح فاصله‌ای موردسنجش قرار می‌گیرد.

برای سنجش میزان اعتماد یا پایایی مقیاس‌ها یا متغیرهای ترکیبی که با بیش از یک شاخص اندازه‌گیری شده‌اند، از ضریب آلفای کرونباخ و برای ارزیابی میزان اعتبار یا روایی ابزار اندازه‌گیری از روش‌های اعتبار صوری و درونی بهره گرفته شده است. در جدول (۲) نتایج آزمون پایایی متغیرهای مستقل پژوهش آمده است.

جدول ۲- نتایج آزمون پایایی معرف‌های متغیر مستقل

ردیف	متغیر	تعداد شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
۱	ارتباطات درون قومی	۱۰	۰/۷۰۲
۲	احساس محرومیت و تبعیض	۱۵	۰/۷۸۷
۳	استفاده از رسانه‌ها	۲۲	۰/۷۰۸

۶-۲. روش تحقیق

در انجام پژوهش حاضر، تنوع و گستردگی در آرایش فضایی کردها در ایران، محدودیت‌های زمانی و تنگناهای مالی عملاً موانعی فراروی مشارکت و حضور در میدان مطالعاتی، آن‌گونه که روش‌های میدانی ایجاد می‌کند، قرار می‌داد. از طرف دیگر، بررسی ناسیونالیسم قومی به‌ویژه در یک سطح وسیع با تعداد نمونه‌های بالا مستلزم استفاده از روش‌های مناسب دیگری است. همین مسئله محقق را بر آن داشت تا از روش پیمایش^۱ به‌عنوان مناسب‌ترین روش بررسی ناسیونالیسم قومی کردها در سطح وسیع استفاده کند. در پژوهش حاضر، از روش پیمایش مقطعی^۲، با دو هدف توصیف و تبیین استفاده شده است. در سطح توصیف، هدف نشان دادن تصویری از چگونگی جامعه آماری بر اساس متغیرهای مورد مطالعه به‌ویژه از نظر انواع ناسیونالیسم قومی و نوع غالب آن می‌باشد. در سطح تحلیل یا تبیین، هدف یافتن روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و تلاش برای تبیین تغییرات و یا به عبارت بهتر، واریانس متغیر وابسته بر اساس متغیرهای مستقل می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش متغیرها، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه مخصوص پاسخگویان از طریق مراجعه پرسشگر به خود پاسخگو تکمیل گردیده است.

۶-۳. جامعه آماری و نمونه‌گیری

کردها در ایران عمدتاً در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه و ایلام ساکن هستند. پرسش آغازین این پژوهش ایجاد می‌نماید که تمام کردهای ساکن در ایران به‌عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار بگیرند. ولی با توجه به تنوع و گستردگی و آرایش فضایی و همچنین محدودیت‌های زمانی و تنگناهای مالی عملاً چنین کاری میسر نمی‌باشد. بر این اساس در مناطق کُردنشین، شهرهای سنندج، قروه، بانه (واقع در

1. survey Method
2. Cross sectional

استان کردستان)، پاوه، جوانرود، کرمانشاه (واقع در استان کرمانشاه)، ارومیه، سردشت و مهاباد (واقع در استان آذربایجان غربی) و ایلام (مرکز استان ایلام) به‌عنوان جمعیت آماری (نقاط ثقل قومی) پژوهش برگزیده شد. با نظر به جمعیت آماری و بر اساس فرمول گُوکران که در آن مقدار t_2 برابر با $1/96$ و pq برابر با $0/25$ و d_2 برابر با $0/05$ بوده است، حجم نمونه 1603 نفر برآورد گردیده است. جهت دسترسی به نمونه‌ها و با نظر به پراکندگی مناطق قومی از روش نمونه‌گیری «احتمالی خوشه‌ای چند مرحله‌ای» استفاده شده است. علاوه بر این، جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق (تحلیل و تبیین داده‌ها) با نظر به سطح سنجش متغیرها در تحلیل دو متغیری از جداول دو بُعدی و آزمون‌های کای اسکوئر، ضریب توافق کرامر V ، کندال تاو b و c و گاما و برای تحلیل چند متغیری، تحلیل از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر بهره گرفته شده است.

جدول ۳- جامعه آماری و حجم نمونه

ردیف	استان	شهر	جمعیت شهرستان	ج. بر حسب سن (۶۴-۱۵)	ج. بر حسب سن ساکن در شهر	حجم نمونه
۱	کردستان	سنندج، قروه، بانه				
۲	آذربایجان غربی	ارومیه، مهاباد، سردشت				
۳	کرمانشاه	کرمانشاه، پاوه، جوانرود				

				ایلام	ایلام	
						جمع

۷. توصیف و تحلیل داده‌ها

۷-۱. یافته‌های توصیفی

به لحاظ جنسیت، ۴۸/۳ درصد افراد نمونه زن و ۵۱/۷ درصد مرد بوده‌اند. از نظر وضع تأهل، ۴۴ درصد مجرد، ۵۳/۱ درصد متأهل و ۲/۹ درصد نیز مطلقه بوده‌اند. میانگین سنی افراد نمونه ۳۵/۹ سال و انحراف معیار آن ۸/۵۴۷ بوده است. مذهب ۲۸/۱ درصد افراد نمونه شیعه و ۷۱/۹ درصد نیز سنی بوده‌اند. سطح تحصیلات، افراد نمونه به این صورت بوده است: سواد خواندن و نوشتن ۱/۲ درصد، ابتدایی ۲/۱ درصد، راهنمایی ۸ درصد، دیپلم ۲۹/۳ درصد، کاردانی ۱۴/۹ درصد، کارشناسی ۳۱/۴ درصد، کارشناسی ارشد ۱۰/۹ درصد و تحصیلات در سطح دکتری ۲/۱ درصد بوده است. از نظر نوع فعالیت، ۱۶/۲ درصد خانه‌دار، ۲/۷ درصد محصل، ۱۸/۳ درصد دانشجو، ۱۱/۴ درصد بیکار، شاغل تمام‌وقت ۳۸/۴ درصد و شاغل نیمه‌وقت ۱۳ درصد از افراد نمونه را تشکیل داده‌اند.

در جدول (۴) میانگین و انحراف معیار شاخص‌های تشکیل‌دهنده سطوح ناسیونالیسم قومی آمده است. بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده، میانگین ناسیونالیسم قومی معادل ۶۵/۷۶ است که بر مبنای مقیاس صفر تا ۱۰۰ بالاتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد ناسیونالیسم قومی، شاخص ترکیبی ناسیونالیسم خودمختار جایگاه محوری

و اولیه‌ای داشته و پس از آن ناسیونالیسم تجزیه طلب قرار گرفته است. علاوه بر این، شدت و میزان ناسیونالیسم قومی و ابعاد آن در شهرستان سردشت دارای بالاترین حد از ناسیونالیسم بوده و بعد از آن شهرهای پاوه، مهاباد، جواترود، سنندج، بانه، ارومیه، قروه، ایلام و آخرین شهر کرمانشاه دارای ناسیونالیسم قومی است. نتایج ارائه شده بیانگر این مطلب است که استان آذربایجان غربی دارای بالاترین رتبه ناسیونالیسم قومی بوده و بعد از آن به ترتیب استان‌های کرمانشاه، کردستان و استان ایلام قرار گرفته‌اند.

جدول ۴- توصیف آماری شاخص ناسیونالیسم قومی و ابعاد آن

جمع	ایلام	کرمانشاه	کردستان	آذربایجان غربی	
میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	ابعاد متغیر
۶۲/۷۷	۵۴/۹	۶۷/۹	۷۱/۵	۷۵/۴	ناسیونالیسم خودمختار
۵۵/۲۸	۴۲/۸۶	۵۶/۱۷	۵۷/۸	۶۲/۸	ناسیونالیسم تجزیه طلب
۶۵/۷۶	۵۶/۱۷	۶۸/۲	۶۷/۹	۷۱/۶۹	شاخص ترکیبی ناسیونالیسم قومی

استان	ناسیونالیسم خودمختار	ناسیونالیسم تجزیه طلب	شاخص ترکیبی ناسیونالیسم
آذربایجان غربی	۷۵/۴	۶۲/۸	
کردستان	۷۱/۵	۵۷/۸	۶۷/۹
کرمانشاه	۶۷/۹	۵۶/۱۷	۶۸/۲
ایلام	۵۴/۹		۵۷/۶۱

جدول (۵) میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. بر مبنای نتایج به دست آمده، میانگین احساس تبعیض معادل ۶۳/۰۲ درصد است که بر مبنای

زمینه‌ها و گونه‌های ناسیونالیسم قومی ایران ... ۵۹

مقیاس صفر تا ۱۰۰ متوسط ارزیابی می‌شود. در میان ابعاد احساس تبعیض، احساس تبعیض سیاسی جایگاه محوری و اولیه‌ای داشته و پس از آن احساس تبعیض فرهنگی و اقتصادی^۲ اجتماعی قرار گرفته‌اند. میانگین روابط درون قومی معادل ۵۸/۷۹ است که در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. روابط درون قومی در ۲۳/۶ درصد جمعیت نمونه پایین، ۵۱ درصد متوسط و ۲۵/۴ درصد جمعیت نمونه روابط درون قومی بالا بوده است. میانگین استفاده از رسانه‌های داخلی معادل ۴۶/۵ است که پایین‌تر از متوسط ارزیابی می‌شود. استفاده از رسانه‌های داخلی در ۳۷/۸۶ درصد جمعیت نمونه پایین، ۵۱/۸ درصد متوسط و در ۱۰/۴ درصد جمعیت نمونه بالا بوده است. میانگین استفاده از رسانه‌های قومی معادل ۴۶/۸۵ است که پایین‌تر از متوسط ارزیابی می‌شود. بنا بر اطلاعات جدول استفاده از رسانه‌های قومی در ۲۷/۷ درصد جمعیت نمونه پایین، ۴۴/۴ درصد متوسط و ۲۷/۹ درصد بالا بوده است.

جدول ۵- توصیف آماری متغیرهای مستقل

انحراف معیار	میانگین	درصد خالص	فراوانی	گزینه‌ها	ابعاد متغیر
۹/۵۱۰۹	۶۳/۰۲	۹/۵	۱۵۲	پایین	احساس تبعیض
		۵۳/۵	۸۵۸	متوسط	
		۳۷	۵۹۳	بالا	
		۱۰۰	۱۶۰۳	جمع	
۴/۱۳۰۸	۵۸/۷۹	۲۳/۶	۳۷۹	پایین	روابط درون قومی
		۵۱	۸۱۷	متوسط	
		۲۵/۴	۴۰۷	بالا	
		۱۰۰	۱۶۰۳	جمع	
۵/۳۳۹	۴۶/۵	۳۷/۸	۶۰۶	پایین	استفاده از رسانه‌های داخلی
		۵۱/۸	۸۳۱	متوسط	

		۱۰/۴	۱۶۶	بالا	
		۱۰۰	۱۶۰۳	جمع	
۱۳/۴۴۹	۴۶/۸۵	۲۷/۷	۴۴۴	پایین	استفاده از رسانه‌های قومی
		۴۴/۴	۷۱۱	متوسط	
		۲۷/۹	۴۴۸	بالا	
		۱۰۰	۱۶۰۳	جمع	

۲-۷. یافته‌های تبیینی

بر اساس داده‌های جدول (۶) می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین سطح تحصیلات، سن، احساس تبعیض، روابط درون قومی، مصرف رسانه‌های داخلی، مصرف رسانه‌های قومی، و فاصله تا مرز و ناسیونالیسم قومی رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که با بالا رفتن سطح تحصیلات، سن، مصرف رسانه‌های داخلی، و با فاصله‌گیری از مرز ناسیونالیسم قومی کاهش و با بالا رفتن احساس تبعیض، روابط درون قومی و مصرف رسانه‌های قومی ناسیونالیسم قومی افزایش می‌یابد.

جدول ۶- ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل با ابعاد ناسیونالیسم قومی

ابعاد ناسیونالیسم قومی	مقدار کندال	مقدار گاما	سطح معناداری	مقدار کاسکوئر	سطح معنی‌داری
سن	-۰/۱۱۴	-۰/۱۶۵	۰/۰۰۰	۶۸/۹۰۸	۰/۰۰۰
تحصیلات	-۰/۰۹۴	-۰/۱۱۸	۰/۰۰۰	۲۸/۵۹۶	۰/۰۰۰
احساس تبعیض	۰/۴۱۸	۰/۶۶۷	۰/۰۰۰	۳۹۲/۹۲۳	۰/۰۰۰
روابط درون قومی	۰/۳۳	۰/۵۴۳	۰/۰۰۰	۲۰۹/۸۸۹	۰/۰۰۰

۰/۰۰۰	۱۰۷/۱۹۱	۰/۰۰۰	۰/۳۵۹	۰/۲۰۹	مصرف رسانه‌های داخلی
۰/۰۰۰	۲۹۹/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۰۶	۰/۳۸۲	مصرف رسانه قومی
۰/۰۰۰	۱۸۸/۹۴۹	۰/۰۰۰	۰/۳۲۷	۰/۱۹۵	فاصله تا مرز

۷-۲-۱. تفاوت‌پذیری ناسیونالیسم قومی برحسب مذهب

بنابر اطلاعات جدول (۷) مقدار t محاسبه شده (۲۱/۰۷) از مقدار t بحرانی با درجه آزادی ۱۶۰۱ که برابر است با ۱/۹۶ بزرگ‌تر است پس فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین ناسیونالیسم قومی در افراد سنی مذهب و شیعه مذهب تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به میانگین سنی مذهب‌ها (۸۶/۰۹۴) و میانگین شیعه مذهب‌ها (۶۳/۹۲۱) و معنادار بودن اختلاف میانگین‌ها می‌توان ادعا کرد که ناسیونالیسم قومی در بین افراد سنی مذهب بالاتر است و همچنین میانگین ابعاد خودمختار و تجزیه طلب ناسیونالیسم در بین سنی مذهب‌ها و شیعه مذهب‌ها تفاوت معناداری باهم دارند.

جدول ۷- تفاوت میانگین ناسیونالیسم قومی برحسب مذهب

معنی داری	درجه آزادی	t	اختلاف میانگین	انحراف استاندارد	میانگین شیعه‌ها	میانگین سنی‌ها	ابعاد ناسیونالیسم
۰/۰۰۰	۱۶۰۱	۲۱/۰۷	۲۲/۱۷۳	۱۴/۶۶	۶۳/۹۲۱	۸۶/۰۹۴	ناسیونالیسم قومی
۰/۰۰۰	۱۶۰۱	۱۹/۶۹	۴/۱۵۶	۳/۰۲۶	۷/۸۸۳	۱۲/۰۳۹	بُعد خودمختار
۰/۰۰۰	۱۶۰۱	۲۱/۲۵	۶/۹۸۲	۴/۲۱۱	۸/۳۹۵	۱۵/۳۷۸	بُعد تجزیه طلب

۳-۷. تحلیل چند متغیره

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول (۸) نشان می‌دهد که متغیر احساس تبعیض به تنهایی ۵۵ درصد تغییرات متغیر وابسته (ناسیونالیسم قومی) را تبیین کرده است. در مرحله بعد متغیر روابط درون قومی به معادله اضافه می‌شود که قدرت تبیین را به ۵۵/۶ درصد می‌رساند، با اضافه شدن متغیر مصرف رسانه‌های داخلی، قدرت تبیین معادله به ۵۶ درصد می‌رسد، همچنین با اضافه شدن متغیر مصرف رسانه‌های قومی، قدرت تبیین معادله به ۵۶/۳ درصد می‌رسد، در مرحله بعد متغیر سن وارد معادله شده که قدرت تبیین معادله را به ۵۶/۹ درصد افزایش داده، است، آخرین متغیری که وارد معادله شده است، متغیر تحصیلات است که با اضافه شدن این متغیر قدرت تبیین معادله به ۵۷/۳ درصد افزایش یافته است. در کل می‌توان گفت که متغیرهای مستقل در معادله ۵۷/۳ درصد تغییرات ناسیونالیسم قومی را تبیین می‌کنند.

جدول ۸- نتایج تحلیل رگرسیون ناسیونالیسم قومی

متغیرها	B	Se	Beta	t	F	sig	R square change
احساس تبعیض	۰/۱۸۷	۰/۰۳۰	۰/۱۰۷	۶/۲۸۱	۱۴۰۷/۹۹۳	۰/۰۰۰	۰/۵۵۰
روابط درون قومی	۰/۳۶۷	۰/۰۶۰	۰/۰۹۲	۶/۱۴۱	۱۱۲۰/۹۶۷	۰/۰۰۰	۰/۵۵۶
مصرف رسانه‌های داخلی	-۰/۱۶۴	۰/۰۴۶	-۰/۰۵۳	-۳/۵۲۹	۹۳۰/۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۵۶۰
مصرف رسانه‌های قومی	۰/۱۶۷	۰/۰۶۲	۰/۰۴۵	۳/۱۷۰	۷۸۸/۱۸۱	۰/۰۰۱	۰/۵۶۳
سن	-۰/۰۷۱	۰/۰۲۵	-۰/۰۳۱	-۲/۳۲۴	۵۹۹/۵۰۹	۰/۰۰۷	۰/۵۶۹
تحصیلات	-۰/۰۸۷	۰/۰۲۴	-۰/۰۲۶	-۲/۰۱۲	۴۸۹/۷۱۴	۰/۰۱	۰/۵۷۳

مقدار ثابت	۲۳/۴۸۱	۲/۳۰۳	-	۲۱/۱۰۸	-	۰/۰۰۰	-
------------	--------	-------	---	--------	---	-------	---

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تبیین گونه‌ها و زمینه‌های ناسیونالیسم قومی در مناطق گُردنشین به انجام رسیده است. نتایج این تحقیق نشان از برجسته شدن ناسیونالیسم قومی در ابعاد خودمختار و تجزیه‌طلب در مناطق گُردنشین دارد. نتایج ارائه شده بیانگر این مطلب است که استان آذربایجان غربی دارای بالاترین رتبه ناسیونالیسم قومی بوده و بعدازآن به ترتیب استان‌های کرمانشاه، کردستان و ایلام قرار گرفته‌اند. میزان و شدت ناسیونالیسم قومی در ابعاد کلی آن بالاتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود.

شهرهای گُردنشین سُنّی مذهب نسبت به شهرهایی که از تنوع مذهبی برخوردارند از میزان و شدت بیشتری از ناسیونالیسم قومی برخوردارند. این که چرا میزان هویت خواهی قومی در گُردهای شیعه به نسبت اهل سنت ضعیف‌تر است شاید ناشی از این امر باشد که گُردهای شیعه با قدرت مرکزی احساس نزدیک‌تری دارند و یا این که قدرت مرکزی اعتماد بیشتری به آن‌ها دارد هر دو قابل توجه بوده و بر میزان و نوع هویت خواهی قومی و پیامدهای آن تأثیرگذار است. در مورد رابطه مذهب و ناسیونالیسم نظریه‌ها و تجربه‌های تاریخی حاکی از آن است که در وضعیت‌ها و جوامع مختلف این دو، یعنی ناسیونالیسم و مذهب نسبت‌های متضاد و خاصی را باهم برقرار می‌کنند که قابل تعمیم به موارد دیگر نیست.

بر مبنای نتایج تحقیق همبستگی مثبت و مستقیمی بین احساس تبعیض و ناسیونالیسم قومی وجود دارد. متغیر احساس تبعیض بیشترین همبستگی مثبت را به ترتیب با ناسیونالیسم تجزیه‌طلب و ناسیونالیسم خودمختار دارد. این نتیجه نیز مؤید نظریه «ایسمن»، «دیوید مایر»، و «گار» است. ایسمن معتقد است که نابرابری اقتصادی سبب افزایش قوم‌گرایی می‌شود. پس با توسعه اقتصادی می‌توان تضاد قومی را کاهش داد. مایر نیز بر این باور است که نابرابری و تبعیض، تعصب را تولید می‌کند و تعصب،

تبعیض را مشروعیت می‌بخشد و موجب احساس تنفر از گروه حاکم و پرخاشگری علیه آن‌ها و افزایش ناسیونالیسم قومی می‌شود. متغیر روابط درون قومی نیز متوسط ارزیابی می‌گردد. با توجه به میزان روابط درون قومی در بین کُردها و سطح نازل روابط بین قومی، در مجموع میزان خاص‌گرایی در بین کُردها قوی هست. واکر کانر هم معتقد است که ارتباطات درون قومی و میان قومی، هر دو نقش مهمی در خلق آگاهی قومی ایفا می‌کنند. مطالعات تجربی قادرزاده (۱۳۸۸) مؤید شدت یافتن روابط درون قومی در بین کُردها می‌باشد. بر مبنای یافته‌های تبیینی میزان و شدت ناسیونالیسم قومی در مناطق کُردنشین بیش از حد متوسط است.

احساس محرومیت و تبعیض از جمله متغیرهای مستقل اثرگذار بر تمایلات هویت طلبی قومی در مناطق کُردنشین است. متفکران معتقدند که هرچقدر میزان احساس محرومیت در نزد یک قوم بیشتر باشد، گرایش آنان به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی شدت می‌یابد که در حالت افراطی، به صورت قوم‌مداری تجلی خواهد یافت. رسانه‌های قومی از این امر به‌عنوان ابزاری برای شکل دادن به گرایش‌های واگرایانه در بین مردم استفاده می‌کنند. بنابراین، یکی از راهکارهای اساسی این است که با توزیع عادلانه‌تر امکانات و فرصت‌ها در جامعه، احساس محرومیت نسبی کاهش داده شود. یکی از عوامل تأثیرگذار بر کم و کیف ناسیونالیسم قومی، میزان پایین استفاده و رضامندی از رسانه‌های داخلی و شبکه استانی می‌باشد و همین امر موجب گردیده تا مردمان این مناطق به رسانه‌های فراملی و خارجی روی آورند. پس به همین منظور پیشنهاد می‌گردد که توجه جدی به بازنمایی فرهنگ‌های قومی در رسانه‌های ملی و استانی مبنای عمل قرار گیرد. با عنایت به برجستگی هویت خواهی قومی نزد ساکنان مناطق کُردنشین، ضرورت دارد رابطه بین هویت ملی و هویت قومی در رسانه ملی و شبکه استانی به نحوی تبیین گردد که این دو متغیر در طول یکدیگر قرار گیرند و مکمل هم باشند تا این نگاه که تقویت یکی، موجب تضعیف دیگری می‌شود، تغییر یابد.

پیشنهاد می‌گردد به‌منظور همدلی ملی و تقویت پایه‌های هویت ملی، سیاست وحدت در کثرت به‌عنوان الگوی مطلوب برقراری انسجام ملی در کشور، به معنای حفظ هویت‌های فرو ملی از یک‌سو و تقویت پیوندهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بین آن‌ها از سوی دیگر مدنظر مسئولین قرار گیرد. توسعه صنعت گردشگری داخلی (اجرای تورهای ایران‌گردی) نیز یکی از گزاره‌هایی است که می‌تواند در ایجاد ارتباطات بین اقوام ایرانی باهدف تقویت همگرایی و همبستگی و کاهش ناسیونالیسم قومی مؤثر باشد. از بین بردن موانع برقراری روابط بین قومیت‌های مختلف در کشور، موجب تعدیل شکاف‌های قومی و آشنایی شهروندان با تنوع فرهنگی موجود در یک جامعه می‌گردد.

با اذعان به این که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تنوع قومی و مذهبی و همچنین مطالبات قانونی اقوام به‌عنوان یک واقعیت و امر بدیهی به رسمیت شناخته شده است؛ پس ضرورت دارد که تدابیری اندیشیده شود تا در عین تأمین همبستگی ملی، خواسته‌ها و مطالبات اجتماعات قومی تحقق یابد؛ چراکه با تحقق و عملیاتی کردن اصول مندرج در قانون اساسی، آسیب‌پذیری امنیت ملی به حداقل ممکن کاهش یابد.

سیاست‌گذاری در خصوص قومیت‌ها با تدوین «سیاست قومی» نیز مجموعه‌ای از اقدام‌ها و روش‌های هدف‌دار و راهنمای عمل کارگزاران امور قومیت‌ها در جامعه است که روابط گروه‌های قومی با قدرت سیاسی و نهادهای حکومتی را سامان‌دهی می‌کند. نبود سیاست قومی راه را بر اعمال سلیقه‌های شخصی مدیران حکومتی و هرز روی و عدم تخصیص بهینه امکانات می‌گشاید و پیامد آن فعال شدن هر چه بیشتر تضادهای گروه‌های قومی با حاکمیت و نهایتاً بحران مشروعیت و تشدید گرایش‌های واگرایانه در سطح ملی است.

در نهایت باید تأکید کرد که به‌منظور تعدیل ناسیونالیسم قومی در مناطق گُردنشین لازم است این ملاحظه مهم را در تدوین سیاست‌های معطوف به وحدت ملی در نظر داشته باشیم

که راهبردهای معطوف به وحدت ملی در ایران باید همه‌جانبه و کل‌نگر باشند و به ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی توجه گردد؛ چراکه تجربه نشان داده است که هرگونه سیاست‌گذاری حتی مثبت و سازنده، اگر به‌صورت تک‌ساختی و مستقل طراحی و دنبال شود، تأثیرات و پیامدهای مناسبی در پی نخواهد داشت.

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۴)، هویت ملی و پروژه ملت‌سازی، *فصلنامه مدرسه*، سال اول شماره ۲.
- اوزکریملی، اوموت. (۱۳۸۳)، *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه: محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات
- احمدی، حمید. (۱۳۷۸)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت*، تهران: نشر نی.
- امیر احمدی، هوشنگ. (۱۳۷۴)، در جستجوی مفهوم سیاست‌های قومی، ترجمه: شراره حسامی، *ماهنامه جامعه سالم*، تهران: شماره ۲۱.
- جلایی پور، حمیدرضا. (۱۳۸۵)، *فراز و فرود جنبش کردی*. (۱۳۵۵-۶۷)، تهران: لوح فکر.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۰)، *هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران*، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- سید امامی، کاووس. (۱۳۷۹)، "میزگرد سیر تحول تاریخی هویت ملی در ایران"، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، شماره ۵.

زمینه‌ها و گونه‌های ناسیونالیسم قومی ایران ... ۶۷

- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۵)، *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۶)، بحران هویت، هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱.
- عبداللهی، محمد و قادرزاده، امید. (۱۳۸۲)، فاصله قومی در ایران و عوامل مؤثر بر آن در ایران، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴.
- قادرزاده، امید. (۱۳۸۸)، هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق، *پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی سیاسی*، استاد راهنما؛ دکتر محمد عبداللهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، قدرت هویت*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۶)، *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.
- گر، تد رابرت. (۱۳۸۱)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟* ترجمه: علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گرب، ادوارد. (۱۳۷۳)، *نابرابری اجتماعی*. ترجمه: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاده، تهران: نشر معاصر.
- محمدزاده، حسین. (۱۳۸۰)، تأثیر سانترالیسم بر فعال شدن شکاف قومی در میان اکراد ایران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدزاده، حسین. (۱۳۹۰)، عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان گردهای ایران، *رساله دکتری جامعه‌شناسی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

- مائیل، الکساندر. (۱۳۸۴)، *دایره المعارف ناسیونالیسم*، ترجمه: زیر نظر کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰)، *تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- مالشوویچ، سینیشا. (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی قومیت*. ترجمه: پرویز دلیرپور، نشر آمه.
- وان برویین سن، مارتین. (۱۳۷۹)، *آغا، شیخ و دولت: ساختارهای اجتماعی و سیاسی کُردستان*، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- ون دایک، تئون. ای. (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمه: گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هابسباوم، ای. جی. (۱۳۸۲)، *ملت و ملت‌گرایی پس از ۱۷۸۰*، ترجمه: جمشید احمدپور، تهران: نیکا.
- Anderson, B. (1991). *Imagined communities, Reflection on the origins spread* Albrow, M. (1996) *The Global Age*, Cambridge: Polity Press.
- Breuilly, J. (1982). *Nationalism and state*, Manchester, Manchester University Delhey.
- Brass, P. (1991). *Ethnicity and nationalism*, Thory and comparative, new.
- Eller, J. (1999). *From Culture to Ethnicity to Conflict*, Michigan: The University Press of Michigan Press.
- Guibernau, M. (2001). "*Globalization and Nation-State*". In Guibernau, M & Hutchinson, J (eds) *Understanding Nationalism*, Cambridge: Polity Press.
- Gurr, T. and Scarritt, J. R. (1989). "*Minorities at Risk: A Global Survey*". *Human Rights Quarterly*, no3.
- Karner, Christian. (2007). *Ethnicity and everyday life*. London & New York, u.

- MaleSevic, S. (2004). *The Sociology of Ethnicity*, Sage. London.
- Montwille, J. (1990). *Conflict and peacemaking in multiethnic society*.
- Neuman, L. W. (1997). *Social Research Methods, Allyn and Quantitative Approaches*, Allyn and Bacon. of nationalism, Verso. press.
- Ramezan zadehh, Abdullah. (1994). *Ethnic Conflict In Iran*, Acomparativestudy Department Politick Weten Schappam, K.U Leuven Ph.D theiss.
- Romano, D. (2002). "Modern Communication Technology in ethnic nationalist Hands": The case of the Kurds, *Canadian Journal of political science*, 35, pp:127-149.
- Romano, D. (2006). *The Kurdish Nationalist*.
- Sanders, J. M. (2002). "*Ethnic Boundaries and Identity in Plural Societies*". Annual Review of Sociology science, 35, pp:127-149.
- Smith, A. D. (1998). *Nationalism and Modernism*, London & new York, Rutledge.
- Spohn, W (2003). "*Multiple modernity, Nationalism and Religion: A Global Perspective*". Current Sociology.
- Vali, A (1998). "*The Kurds and Their Others: Fragmented Identity and Fragmented Politics*". Comparative Studies of South Asia, Africa and The Middle East, No.2.
- Van Bruinessen, M. (1999). "*The Kurds in Movement: Migrations, Mobilsations, Communications and the Globalisation of the Kurdish Question*". Islamic Area Studies.